

دو هفته طلّعه بهار

عباس عبدي

مهم‌ترین خبر در این دو هفته بالا گرفتن مساله حجاب است

با توجه به تعطيلي غيرمعارف رسانه‌هاي ايران در تعطيلات آغاز سال، موضوعات رخ داده در این دو هفته کمتر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. هر چند احتمالا آن اندازه ادامه خواهد داشت که به طور مبسوط هم به آنها پرداخته شود. با این وجود در اولین روز پایان تعطيلات می‌کوشم مرور کوتاهی بر چند اتفاق رخ داده بنمایم.

۱- اولین مورد شعار رسمي سال يعني «رشد اقتصادي و مهار تورم» بود، که طبعاً شعار درست و همسو با خواست عمومي است. از حیث کارشناسان این شعار هنگامی اهمیت دارد که با برنامه‌های اجرایی و عینی همراه باشد، والا وضعیت اقتصادی در سال ۱۴۰۲، اگر بدتر از سال ۱۴۰۱ نباشد، بهتر نخواهد بود. زیرا تحقق این شعار مستلزم تغییر رویکرد، تغییر کارگزاران، تغییر شرایط و برنامه‌ها است که از امکان تحقق هیچ کدام آنها تاکنون علایمی دیده نشده است، سهل است که برخی شواهد نشان می‌دهد به سوی بدتر شدن هم می‌رویم. ضمن اینکه از همین ابتدا هم قیمت‌ها روند صعودی یافته است و مهم‌ترین آنها، نرخ ارز است که در همین تعطيلات حدود ۱۰ درصد افزایش داشته و صدای افزایش قیمت برای سوخت و بنزین و سایر کالاها نیز شنیده می‌شود. همچنین بودجه امسال تصویب و نهایی شده است و با اجرای آن راهی برای مهار تورم وجود ندارد.

۲- اگرچه امیدواریم دولت محترم در اهداف اعلام شده موفق شود ولی این امر مستلزم داشتن برنامه است.

اینکه پس از دو سال از فعالیت‌های انتخاباتی و ادعای داشتن ۷۰۰۰ صفحه برنامه برای تکتک امور کشور، امروز از دانشمندان خواسته شود که برای رفع مشکلات کشور راهکار ارائه کنند، بسیار عجیب است، زیرا این کار وظیفه دولت است و اصولاً برای انجام همین وظیفه عهده‌دار امور شده‌اند و حقوق می‌گیرند. اینکه دولت راهکارها را از کجا بیاورد به خودش مربوط است؛ دیگران فقط وظیفه نقد دارند. این درخواست نادرست موجب شده که امید نسبت به داشتن ایده برای حل مسائل جامعه و مردم کمتر از گذشته شود.

۳- مساله افزایش شدید مصرف بنزین و بالا رفتن مصرف از ظرفیت تولید کشور بسیار مهم است. البته پس از تعطیلات این مقدار کم خواهد شد، ولی مساله این است که افزایش مصرف انرژی يك قاعده كلي است که فشار زیادی را به سرمایه‌گذاری‌ها و نیز منابع انرژی کشور وارد می‌کند و این دولت هم بیش از راهکار دولت قبلی چیزی در ذهن ندارد. شاید به این علت که این وضعیت بیش از آنکه ناشی از این دولت و آن دولت باشد، ریشه در وضعیت کلان سیاسی ایران دارد. بنابراین انتظار می‌رود که در سال جاری بحران انرژی و قیمت‌گذاری آن در کنار سایر مشکلات کشور به یکی از مسائل عمده کشور تبدیل شود و دولت و حکومت را به چالش بکشد.

۴- مطابق اعلام رسمی، قرار است از امروز مدارس باز باشند. با توجه به نیمه تعطیل بودن مدارس در دو هفته آخر اسفندماه گذشته و نیز فقدان هیچ گزارش رسمی دقیق درباره مسمومیت‌ها، به نظر می‌رسد که نگرانی مردم از ماجرا همچنان وجود خواهد داشت و احتمالاً ممکن است با تکرار اتفاقات قبلی مواجه شویم که باعث تأسف خواهد بود. اگر هم مساله در همین جا خاتمه یابد، موجب خوشبختی خواهد بود. ولی يك پرسش در ذهن مردم می‌ماند، اینکه واقعیت مساله چه بود؟ این علامت سوال بسیار مهمی است. باید منتظر ماند و دید که ماجرا به کجا می‌رسد.

۵- موضوع میزان افزایش دستمزد کارگران و کارمندان یا به‌طور کلی مزد و حقوق‌بگیران که فقط حدود نیمی از تورم سال گذشته آنان را پوشش می‌دهد يك علامت نگرانی‌زا برای جامعه است که به معنای افزایش فقر و تشدید اعتراضات و بحران‌های مرتبط با آنها خواهد بود.

۶- مساله دیرپای روابط خارجی و تنش‌های موجود در دو هفته اخیر کاهش نیافته است، گرچه مردم انتظار داشتند که پس از بهبود روابط با عربستان و آژانس هسته‌ای گشایشی در دیگر روابط نیز حاصل شود، ولی تنش‌های موجود در سوریه، اسراییل و تنش با حکومت باکو نشان داد که تا قرار گرفتن در مسیر بهبود روابط خارجی و کاستن از تنش‌ها راه زیادی در پیش داریم. این مساله به‌ویژه با افزایش مجدد قیمت ارز، اعتماد را نسبت به موثر بودن روند آرام‌سازی در سیاست خارجی کم کرد.

۷- مهم‌ترین خبر در این دو هفته بالا گرفتن مساله حجاب است. موضوعی که پس از اعتراضات پاییز، ابعاد مهم‌تری پیدا و حکومت را با يك چالش مهمی مواجه کرده است. چالشی که نه می‌تواند آن را حل کند و نه می‌تواند آن را از وضعیت چالشی خارج کند و تمامی اقداماتی که درباره آن انجام می‌دهد نیز واجد نوعی تناقض است. چون این روش‌ها از يك سو حل آن را سخت می‌کند و از يك سو ابعاد چالش را ارتقا

می‌دهد و این منشأ ناآرامی است. در این موضوع با پدیده زشت ماست‌پاشی و پیش از آن بیانیه چند پهلوی وزارت کشور وارد فاز جدیدی شدیم. طرفداران حجاب اجباری توجه ندارند که مجموعه گزاره‌های آنان در دفاع از اجباری یا قانونی بودن این رفتارها به بن‌بست رسیده و همین بن‌بست است که کار را به این مرحله رسانده است. بنابراین ادامه آن سیاست‌ها نیز گره این مساله را پیچیده‌تر می‌کند. در این باره سخنان زیادی می‌توان گفت و باید در روزهای آینده به آنها اشاره کرد، ولی يك مساله قطعی است و تا هنگامی که حکومت نخواهد آن را بپذیرد هیچ اتفاق مثبتی رخ نخواهد داد. اینکه قانون کنونی غیرقابل اجرا است. الزام حقوقی به رعایت حجاب شرعی غیرممکن است. به همین علت هم در روز میلیونها بار نقض می‌شود و از قدیم هم می‌شده است و هیچ اقدام قانونی (و نه غیرقانونی مثل گشت ارشاد) صورت نمی‌گرفته است. اینها را هم توطئه خارج ندانید؛ همه ریشه داخلی دارد.

پس گام اول باید حذف الزام «حجاب شرعی» باشد این جزو اختیارات مردم است. در مرحله بعد باید برای حفظ نظم که منطقی متفاوت با حجاب شرعی دارد، گفت‌وگو کرد و راهی را پیدا کرد که مورد تأیید جامعه و زنان باشد. راه دیگری وجود ندارد. ماست‌پاشی و عصیانیت فرد ضارب، محصول چنین بن‌بست‌هایی است. تنها و روان خود را در مواجهه با حجاب زنان خسته و رنجور نکنید.

منبع: روزنامه اعتماد 14 فروردین 1402 □□□□□□